

## در پشت صحنه توافق با ایران در ژنو

<http://www.fondsk.ru/news/۲۰۱۳/۱۱/۲۵/za-kulisami-soglasheniya-s-iranom-v-zheneve-۲۴۱۹۶.html>

۲۰ قوس ۱۳۹۲

در مذاکرات ایران با گروه «شش» توافقی بدست آمد که جامعه جهانی ۱۰ سال انتظار آن را می کشید. توافق بر مبنای پیشنهاد دو سال قبل ولادیمیر پوتین حاصل شد که با انتخاب روحانی به ریاست جمهوری ایران دوباره مطرح شد و مورد پذیرش نمایندگان آمریکا و اروپا برای دور بعدی مذاکرات گردید. ارزیابی اهمیت توافق حاصله که بعنوان یک توافق تاریخی رده بندی شده، دشوار است، اما آمادگی طرفین برای سازش را «معاهده قرن» نامیدند و آن را گام مهمی برای ایجاد امنیت در جهان، مقدم بر همه، در خاورمیانه و نزدیک حساب می کنند. روند آتی حوادث را منوط به همکاری ایران در فاصله توافقات کرده اند.

در بهار سال جاری کمتر شواهدی از توافق با ایران بچشم می خورد، و احتمال همکاری دیپلماتهای آمریکائی و ایرانی بر روی طرح اولیه این سند توافقی با شک و تردید همراه بود. اما بعد از انتخاب رئیس جمهور جدید ایران در ماه ژوئن سال جاری و در سایه تأیید آیت الله خامنه ای، دولت جدید ایران بلافاصله مشی عادی سازی روابط با آمریکا را بدر پیش گرفت. روسیه از مساعی ایران حمایت کرد، اروپائیهای عضو گروه «شش»، با احساس نگرانی از منافع اقتصادی خود، نگاه حسادت آمیز به چشم انداز بهبودی روابط آمریکا- ایران داشتند، مخالفان منطقه ای تهران نیز مشی جدید رئیس جمهور ایران، روحانی را بمثابه تهدید مستقیم امنیت خود تلقی می کردند. نه فقط عربستان سعودی، حتی اسرائیل هم سیاست رئیس جمهور آمریکا مبنی بر عدم ممانعت از ایران و شروع مذاکره با آن را بشدت مورد انتقاد قرار داد. این مسئله علیرغم مخالفت جدی کنگره آمریکا، بیشتر به اراده سیاسی باراک اوباما بستگی داشت.

آیا اوباما با کنگره به توافق خواهد رسید؟

باراک اوباما یکی از اولین حامیان توافق حاصله بود. او طی سخنان خود در کاخ سفید تصریح کرد: «این توافق، فقط گام اول و در عین حال، بسیار مهم بود، که در جهت امضای توافق جامع پیرامون برنامه هسته ای ایران برداشته شد». تردیدی نیست، که واشنگتن این بار تصمیم به پیشرفت گرفته است. هدف ایالات متحده آمریکا عبارت است از برخورد دو مرحله ای به تحقیقات هسته ای ایران. مرحله اول عبارت بود از عقد قرارداد شش ماهه، همانطور که معاون رئیس جمهور آمریکا در امور امنیت ملی، سوزان رایس تأکید می کند، «متوقف ساختن توسعه برنامه هسته ای» ایران و «تعویق آن بشکل اساسی». وقفه شش ماهه، بعقیده آمریکائیه‌ها، باید زمینه «راه های حل جامع بلند مدت» را که بتواند «نگرانیهای جامعه بین المللی را کاملا برطرف سازد»، آماده کند. احتمال می رود لغو تحریمها علیه ایران تا حصول این توافق، «محدود، موقتی و قابل بازگشت» باشد. تحریمها کما فی السابق بحث اصلی کاخ سفید خواهد بود. از دیدگاه مقامات آمریکائی، رهبری ایران در سایه فشارهای اقتصادی بی سابقه به این کشور، برای عقد قرارداد هسته ای مصمم هستند. بر این اساس، دولت اوباما سعی می کند سناتورها را به تعویق تحریمهای تازه علیه ایران متقاعد سازد و به اعضای کنگره اطمینان می دهد، اجرای وعده آزادسازی دارائیه‌ها به تهران، بیش از ۱۰ میلیارد دلار عاید اقتصاد ایران نخواهد کرد، که آنهم در مقایسه با خسارات وارده به ایران در اثر تحریمها، رقم قابل ملاحظه ای برای جبران آنها تشکیل نمی دهد. در عین حال، پیش بینی می شود دولت اوباما برخی تحریمها را با هدف تقویت انعطاف پذیری دولت جدید ایران، بدون تصمیم کنگره تضعیف نماید.

تلاشها برای دور زدن کنگره قابل درک است. اکثریت سناتورها از تسریع پروسه تصویب تحریمهای تازه طرفداری می کنند. منطق آنها بسیار ساده است: تحریمهای سنگین رهبری ایران را به مذاکره جدی پیرامون برنامه هسته ای وادار ساخته، بنابر این، تشدید فشارها بر ایران فقط مواضع آمریکا را در این مذاکرات تقویت می کند. آنها معتقدند این توافق موقتی با ایران هیچ پیامد مثبت برای آمریکا نخواهد داشت و خواستار اتخاذ تدابیر شدیدتر علیه تهران هستند.

موضع قانونگذاران آمریکائی با موضع دولت اسرائیل، که مذاکره کنونی آمریکا با ایران را بیهوده می داند، انطباق دارد. اگر چه فعلا هر دو مجلس آمریکا با تعویق تحریمهای تازه موافقت کرده اند، اما روند مبارزه برای جلب افکار عمومی آمریکا علیه ایران را لابی یهودی باخته است. نظرسنجی ها در جامعه آمریکا راجع به توافق با ایران نشان می دهد، که ۶۵ درصد

آمریکائیه‌ها با توجه به انعطاف تهران در مسئله هسته‌ای، از تضعیف تحریم‌ها علیه ایران جانبداری میکنند.

## آیا اسرائیل متحدان جدیدی برای جایگزینی آمریکا می‌جوید؟

صرفنظر از اینکه سیاست خارجی اسرائیل سالهای زیادی یک سوپه و فقط بسمت آمریکا جهتگیری شده بود، اسرائیل ضمن تلاش برای قطع این گفتگوها و به تبع آن، اعلام اولتیماتوم به تهران، علنا چوب لای چرخ آماده‌سازی توافق موقت با ایران می‌گذاشت. چشم انداز بهبودی روابط آمریکا با تهران عملاً بمعنی امتناع واشنگتن از کوششها برای وادار ساختن تهران به تسلیم و در نتیجه نهایی، انصراف از طرح تغییر رژیم حاکم ایران است. به باور وزیر خارجه اسرائیل، آویگدور لیبرمان، با توجه به تیره شدن روابط با واشنگتن، زمان یافتن متحدان جدیدی که علاقمند به همکاری با تل‌آویو «بر اساس نگرش جدید به اوضاع»، فرارسیده است. آیا این تلاشها می‌تواند بمفهوم تغییر جهت سیاست کلی اسرائیل باشد؟

در حال حاضر شواهد کمی دال بر واقعیت چنین سناریوئی وجود دارد. فعلاً رئیس دیپلوماسی اسرائیل واشنگتن را بخاطر آمادگی بخاطر حصول توافق بین آمریکا و ایران بر سر برنامه هسته‌ای این کشور مورد انتقاد قرار می‌دهد. وزیر دفاع اسرائیل، موشه یعالون نیز هنگام دیدار با هم‌تای آمریکائی خود، چاک هیگل، بدون توجه به اختلاف نظرات در باره ایران، چشم انداز توسعه همکاری نظامی را مورد تأکید قرار داد. مناسبات ویژه بین این دو وزارتخانه مسئول تأمین امنیت در دو کشور را مقامات اسرائیل مورد تردید قرار نمی‌دهند، احتمال تجدیدنظر در اتحاد نظامی اسرائیل و آمریکا در آینده نزدیک پیش بینی نمیشود. هر چند در شرایط کاهش نفوذ آمریکا در منطقه خاورمیانه و عدم قاطعیت دولت اوباما، ممکن است گفتمان غیردوستانه در مناسبات بین دو کشور تقویت شود. صدای سرزنشها از هر دو پایتخت بگوش می‌رسد، اما مشکل است که اختلاف نظرات موجب تحولات جدی بشود. فقط سخن از مانورهای تاکتیکی طرفین می‌تواند در میان باشد. مثلاً، در آستانه آخرین دور مذاکرات با ایران در ژنو، نخست وزیر اسرائیل، بنیامین ناتانیاهو، بمنظور تحریک کاخ سفید، تلاشهای ناموفقی برای متقاعد کردن رئیس جمهور پوتین به امتناع از توافق با تهران بعمل آورد.

## آیا روسیه مدعی ایفای نقش آمریکا در منطقه است؟

نه فقط اسرائیل، حتی در میان متحدان عرب آمریکا این عقیده تقویت می شود، که امکانات آمریکا بعنوان متحد قابل اطمینان در منطقه به پایان رسیده است. پس از شکست برنامه های آمریکا در عراق و افغانستان در کشورهای منطقه تردیدهای بحقی در مورد تواناییهای آمریکا دایر بر پیش بینی روند حوادث منطقه خاورمیانه بوجود آمده است. هم اکنون روشن نیست، که اوضاع مصر در چه سمتی پیش خواهد رفت، در رابطه با بهبودی روابط آمریکا با ایران، معلوم نیست منطقه در انتظار کدام تحولات است، عربستان سعودی چگونه رفتار خواهد کرد، ترکیه از احاله نقش درجه دوم به خود راضی خواهد بود و، مهمتر از همه، چگونه میتوان از تبدیل سوریه به «افغانستان عربی» ممانعت کرد... تضعیف نفوذ آمریکا عملا در همه جهات مشاهده میشود، اما در کشورهای خاورمیانه ای ناتوان از دفاع از منافع خود، خلاء مناسبات متحدانه با بزرگترین قدرت جهانی مشهود است. در چنین شرایطی، سران کشورهای منطقه خاورمیانه علاقمند به تجدید نظر در مناسبات خود با روسیه هستند، که اغلب بمتابه جایگزین جهتگیری استراتژیک یکطرفه واشنگتن ارزیابی می شود.

روسیه میتواند نقش مهمی در منطقه خاورمیانه ایفاء نماید. دیدار اخیر وزرای روسیه از قاهره را بسیاری از کارشناسان، نقطه عطف بازگشت آن به منطقه ارزیابی می کنند. واقعا، اگر روسیه، که دارای مناسبات بسیار نزدیک با تهران است، به توسعه همکاری با مصر تلاش کند، کاملا محتمل است که این، آغاز دوران تازه در روابط مسکو و خاورمیانه باشد. در حال حاضر این تمایل مشهود است. بعنوان مثال، در عراق، نخست وزیر، نوری المالکی در سال گذشته بدون اینکه حتی یک بار از واشنگتن دیدن کرده باشد، دو دیدار از مسکو بعمل آورد. گفتگوها، روی همکاری نظامی - فنی متمرکز شده بودند، که نشاندهنده جدیت طرفین گفتگو می باشد. با این وجود، هیچ دلیلی در تأیید این که روسیه میخواهد آمریکا را در منطقه در تنگنا قرار دهد، وجود ندارد. در عوض، میتوان از تمایل کرملین برای تبدیل شدن به یک شریک برابر حقوق با کاخ سفید صحبت کرد. برجستگی این ایده را میتوان در نوع برخورد به مسائل منطقه ای مشاهده کرد. بر این مبنا، روسیه در جهت عادی سازی روابط ایران و آمریکا، از جمله، برای حل مشکل برنامه هسته ای ایران کوشش می کند. بنا بر این، اشاره به اینکه گویا کرملین از گفتگوهای مقدماتی آمریکا و ایران بی اطلاع بوده، چیزی بیش از وهم و خیال نیست. اتفاقا موضع اصولی مسکو در حل مشکل هسته ای ایران، که نه تنها برای همتایان مشخص است و در طول چند سال گذشته دچار تغییر و تحول نشده، بلکه، بمتابه نقشه راه از سوی همه اعضای «گروه شش»، از جمله آمریکا پذیرفته شد.

رویکرد روسیه بر مبنای برسمیت شناختن حق ایران برای غنی سازی اورانیوم بمثابه جزء جدائی ناپذیر حق مسلم آن طبق معاهده منع گسترش تسلیحات هسته ای بشرط نظارت الزامی بین المللی بر برنامه اتمی ایران استوار است. اگر چنین توافقی حاصل شود، در این صورت، روسیه از لغو کامل همه تحریمها علیه ایران جانبداری خواهد کرد. لازم به ذکر است، که وجود تحریمهای سازمان ملل متحد مانع عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای و ثبات در منطقه آسیای میانه میشود. خروج ایران از انزوای بین المللی باعث گسترش نفوذ تهران در منطقه خاورمیانه خواهد شد و خود آن برای روسیه که دارای روابط همکاری محکم با ایران است، بسیار سودمند خواهد بود. روسیه به این دلیل هم با تحریمها علیه ایران مخالف است، که محاصره اقتصادی و بازرگانی همواره عناصر تدارک جنگ بوده اند، و امکان بستن پرونده اتمی ایران بکمک گزینه نظامی هم تا کنون از روی میز آمریکا و اسرائیل برداشته نشده است.